مجله مطالعات حقوق

شماره ۴۷،
دوره ۷،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۱،
صص ۱-۱۰

تأثیر ادعای مستی در مسئولیت کیفری متهم (نقدرأی)

سید مهدیار بامشگی[۱]

چکیده

در خصوص تحقق عناصر متشکله‌ی جرم و بررسی عوامل معافیت از کیفر بهترین راه فهم و درک مطلب نقد و بررسی آرای قضایی می‌باشد که عناصر یک به یک در پرونده مورد واکاوری قرار بگیرد. در این مقاله قصد داریم نسبت به یک پرونده‌ی قتل عمدی دفاعیات وکلای متهم و اولیای دم و آرای مراحل دادسرا و دادگاه و ابرام دیوان عالی کشور را از جهات مختلف مورد بررسی قرار داده و به این نکته مهم اشاره می‌شود که عموما در پرونده‌های کیفری و رویه‌ی قضایی از لحاظ آگاهی و توجه، با عنایت به تصریح تبصره ۱ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مبنی بر فرض وجود آگاهی و توجه، جنایت عمدی محسوب می‌شود. منتهی گاهی در پرونده ی کیفری مجموعه‌ی امارات قاضی را به این علم می‌رساند که متهم حین وقوع جنایت توجه نداشته است که این موضوع در جنایات بدون برنامه ریزی قبلی بسیار رایج است.

کلمات کلیدی: جرم، مسئولیت کیفری، آگاهی، توجه، عناصر متشکله‌ی جرم، نقد رای، رویه‌ی قضایی، علم قاضی، قتل عمدی، پرونده کیفری

[۱] فارغ التحصیل حقوق و علوم قضایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
mahdiyarbameshgi@gmail.com

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-07]

شماره ۴۷،
دوره ۷،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۱،
صص ۱-۱۰

- صرف ادعای مصرف مشروبات الکلی، به معنای مست و متعاقبا مسلوب االختیار شدن متهم نبوده و رافع مسئولیت کیفری وی نیست.

نکته: توسط اینجانب نقد کننده رای، برای فهم بهتر پرونده به جای نام اختصاری تک حرفی از نام‌های مستعار استفاده شده است. مثال: ن.=ناصر و حتی نام بیمارستانها و دادگاه و پزشکی قانونی و... فرضی است.

خلاصه جریان پرونده

حسب صورت جلسه مورخه ۹۲/۰۹/۱۹ تنظیمی در کانتری نجفی که اعام شده یک نفر به هویت ناصر به قتل رسیده و دو نفر به اسامی میثم و سعید دستگیرشده، مأمورین به محل اعزام و ماحظه شده در حیاط که به وسیله پدر مقتول به نام ابراهیم بازگردیده آثار خون ریزی زیادی مشهود و داخل منزل نیز به هم خورده بوده داخل زیرزمین حیاط البسه و آثار بطری مشروبات الکلی روی زمین افتاده، آقای ابراهیم اظهار می‌دارد شب گذشته دو نفر با فرزندش سه نفری در زیرزمین مشروبات الکلی مصرف نموده که فرزندم با میثم درگیر شده که یک دفعه دیدم میثم با یک تیغه چاقو در زیرزمین فرار کرده و فرزندم ناصر دنبال وی می‌باشد در راهرو و منزل پسرم سعید را گرفت و پیراهن سعید پاره شد سعید به حیاط رفت پسرم که مجروح شده بود همراه سعید و میثم با خودرو پراید همسایه به نام هاشم جهت مداوا به بیمارستان منتقل گردیده. آقای هاشم اظهار داشته: ساعت ۵ صبح یک نفر درب منزل را زد و اعام کرد ناصر حال خوبی ندارد بافاصله من و برادرم ابراهیم با اتومبیل به بیمارستان رضوی او را معرفی کردیم و برگشتیم و اضافه شده موضوع قتل به قاضی کشیک ویژه قتل اطاع داده شد که دستور تحقیق از دستگیرشدگان و پدر مقتول و نیز انتقال جسد به پزشکی قانونی در مورد علت قتل صادر گردید. ابراهیم، در مرجع انتظامی اظهار داشته: در مورخه ۹۲/۰۹/۱۸ مشاهده کردم پسرم با دو نفر از دوستانش به منزل آمد و به زیرزمین رفتند. دوستانش سعید ساعت ۳ بامداد ۹۲/۰۹/۱۹ به منزل آمدند که ندیدم چه کسی مشروب خورده بود، پس از مدتی سروصدا و درگیری به گوش رسید متوجه شدم پسرم ناصر زخمی بود از زیرزمین بیرون آمد و یک قبضه چاقو که متعلق به پسرم بود دست میثم می‌باشد شخصا چاقوکشی را ندیدم. پسرم پیراهن میثم را کشید که در حال فرار بود و دوستانش مشاهده کرده‌اند که میثم چاقو را از روی میز پسرم برداشته و با وی درگیر شده از سه نفر فوق شکایت دارم. از میثم ، در مرجع انتظامی به اتهام قتل مرحوم ناصر تحقیق شده، وی اظهار داشته: ساعت ۲۳ مورخه ۹۲/۰۹/۱۸ ناصر را در خیابان دیدم و قبول دعوت کرد به منزلش رفتیم پدرش در منزل حضور داشت از قبل گویا مشروب خریده بود و تنها مصرف نمود ساعت ۳/۱۵ بامداد ۹۲/۰۹/۱۹ سعید به منزل آمد ضمنا دوست دیگرش به نام حامد هم آمد هر چهارنفری در منزل بودیم ناصر با چاقو به طرف بنده حمله کرد پدرش میانجیگری نمود با هم آشتی کردیم بعد از مدت کوتاهی مجددا وی با من درگیر شد دوستم سعید میانجیگری نمود تا این که چاقو از دست وی افتاد بنده آن را برداشته و خواستم از منزل بیرون بروم دنبالم آمد که با چاقو به طور ناخواسته به قلب وی ضربه زده و روی زمین افتاد. بنده و دوستم سعید وی را به بیمارستان رضوی رساندیم من با او اختافی نداشتم مدت ۵ الی ۶ سال است که با ناصر دوست هستم چون وی مشروب زیاد خورده بود در حضور پدرش با من درگیر شد من در حضور پدرش و دیگر دوستان به اسامی سعید و حامد وی را با چاقو زدم سپس

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-07]

شماره ۴۷،
دوره ۷،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۱،
صص ۱-۱۰

چاقو را داخل حیاط منزل خودشان انداختم. از سعید فرزند ...، متولد ۷۱، شغل آزاد، در مرجع انتظامی به اتهام همراهی با میثم در به قتل رساندن ناصر تحقیق گردید، وی اظهار داشته: در منزل بودم ناصر با بنده تماس گرفت گفت منزل ما بیا قلیان بکشیم به منزل ایشان رفتم میثم و پدر ناصر و شخصی دیگر به نام حامد در منزلشان بود به زیرزمین منزل جهت تهیه زغال رفتم مشاهده کردم ناصر و میثم مشهور به ش. باهم درگیر شدند بنده به میثم گفتم وی را با چاقو نزن که در این حین چاقو به قلب ناصر زدند. پدرش هم نگاه می‌کرد من و پدرش در طبقه اول بودیم و شروع کننده نزاع را ندیدم زمانی که به زیرزمین رفتم مشاهده کردم که چاقو قصابی دست میثم بود داد زدم وی را نزن گوش نکرد و چاقو را در قلب وی فرو برد سپس با بنده با خودروی همسایه او را به بیمارستان رضوی بردیم. پدرش همراه ما نیامد. در تحقیق مجددی که از میثم در مرجع انتظامی به عمل آمد.

مشارالیه بیان داشته: حدود شش سال است که با مرحوم ناصر دوست و بچه محل هستم مرا به منزل خود دعوت کرد پدر وی حضور داشت حامد هم با ما آمد که سه نفری به زیرزمین رفتیم ناصر رفت قلیان آماده کرد قلیان میوه‌ای با طعم لیمو ناصر و دوستش حامد مشروب از نوع سفید (عرق سگی) که داخل جا نوشابه کوکاکوا بود خوردند، من مشروب نخوردم ناصر به دوست دیگرش سعید تماس گرفت او هم آمد سعید باا بود. ناصر یک دفعه مرا چک زد از زیرزمین باا آمده بود ناصر ما را آشتی داد ن ناصر. گفت مست بودم نفهمیدم روبوسی کردیم دوباره داخل زیرزمین رفتم بعد از پنج دقیقه مجددا ناصر گفت تو در حدی نیستی که از من دلخور شوی دو تا چک به صورت بنده زد از پله‌ها باا می‌آمدم که ناصر چاقو گرفته بود می‌خواست مرا بزند سعید میانجیگری کرد، ناصر چاقو را به طرف من پرتاب کرد لیکن به من برخورد نکرد من چاقو را برداشتم داخل هال با یکدیگر درگیر شدیم پدر ناصر داد می‌زد ناصر نکن خواستم از داخل هال فرار کنم ناصر یقه مرا گرفت حتی پیراهن از تنم درآمد در آن حین به سمت وی چاقو زدم تا مرا ول کند، دیگر لخت شدم و به داخل حیاط رفتم که دیدم ناصر خون آلود شده با سعید، ناصر را بلند کردیم وی را به بیمارستان رضوی رساندیم. بعد از ۲۰ دقیقه فوت کرد و مرا دستگیر کردند. سعید در تحقیق مجدد چاقو را در دست میثم که با ناصر درگیر بوده مشاهده کرده که به قلب مرحوم اصابت کرده و بقیه مطالب قبلی را تکرار کرده. پرونده در دادسرا مطرح گردیده، آقای بازپرس شعبه دوم دادسرای مشهد از سعید فرزند ...، متولد ۱۳۷۱، تحقیق نموده، مطالب قبلی که در مرجع انتظامی اظهار داشته را تکرار و دیده است که مرحوم ناصر با میثم درگیر شده یک سیلی به میثم زده است بعدازآن برای آماده کردن قلیان به آشپزخانه رفته و دیده است مرحوم و میثم با هم درگیر شدند و میثم با چاقو که در دستش بود یکی یا دو ضربه چاقو به طرف او انداخت. ناصر بی هوش شد و به بیمارستان رساندیم. و در دادسرا از میثم فرزند ...، متولد ۱۳۷۱، درباره نحو قتل و علت و انگیزه آن تحقیق شده، وی بیان داشته: در محله رضاشهر که اقامتگاه و محل زندگی ام می‌باشد مقتول را دیدم باهم رفتیم دوری بزنیم حامد که از دوستانش بود در خیابان دیدیم سه نفری در حدود ساعت ۲۳ به دعوت مقتول به منزل او رفتیم تا قلیانی بکشیم به زیرزمین رفتیم پدر مقتول در طبقه بالا بود، قلیان کشیدیم حامد و مقتول مشروب می‌خوردند ساعت ۳ بامداد یک سیلی به من زد باهم دوستی کردیم دوباره به زیرزمین برگشتیم مقتول به سعید زنگ زد که آمد در حضور سعید مجددا مقتول دو سیلی به من زد در حال رفتن به بالا بودم پیراهنم را گرفت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-07]

شماره ۴۷،
دوره ۷،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۱،
صص ۱-۱۰

چاقویی آنجا بود خواستم او را بترسانم پیراهن را به زور از تنم بیرون آورد به داخل کوچه فرار کردم قبل از فرار یک ضربه به او زدم سعید گفت حالش خراب است او را به بیمارستان رساندیم، از خودم دفاع کردم. به نامبرده اتهام قتل عمدی مرحوم ناصر تفهیم شده، اظهار داشته: دفاع کرده ام در دو مرحله مرا با سیلی زد و پیراهن را از تنم درآورد جهت ترساندن و دفاع از خویش یک چاقو برداشتم و به طرفش انداختم و منتهی به فوت ایشان شده است. در تاریخ ۹۲/۰۹/۲۰ درباره متهم قرار بازداشت موقت از ناحیه بازپرس شعبه دوم دادسرای عمومی و انقلاب مشهد صادرشده. گزارش معاینه جسد صادره از پزشکی قانونی مشهد به شماره ۵۸۴/۶۶۱- ۹۲/۰۹/۲۰ حاکی است: جسد ناصر فرزند ...، ۲۳ ساله، در تاریخ ۹۲/۰۹/۱۹ فوت نموده، در ناحیه سروصورت و گردن شکستگی استخوانی ملموس نبوده و در ناحیه شکم و قفسه صدری در جوشگاه بریدگی‌های التیام یافته در قدام قفسه صدری و شکم دیده شده، بریدگی به طول تقریبی ٤ سانتی متر در محاذات دنده پنجم در حاشیه سمت چپ استخوان جناغ مشهود بوده، ساییدگی و خون مردگی و پارگی در شکم مشهود نبود. در اندام‌های فوقانی و تحتانی در ناحیه جوشکاری خودزنی‌های متعدد در اندام فوقانی مشاهده شده، خون مردگی در ناحیه دنده ۵ در محل عبور جسم برنده نوک تیز مشهود بود. بریدگی در قسمت قدامی پریکارد و چسبندگی به قلب آشکار است. آثار بریدگی به قسمت تحتانی قلب وجود داشت. نمونه امعاء احشاء جهت سم شناسی و نمونه زجاجیه جهت بررسی الکل و نمونه خون جهت تعیین گروه خونی به آزمایشگاه ارسال شد که نتیجه B مثبت گزارش گردید. علت فوت بریدگی نافذ به قلب در اثر جسم برنده نوک تیز و عوارض ناشی از آن تعیین گردید. جواز دفن صادر شد (ص٤٧). در گواهی دیگر در بررسی سم شناسی آثار الکل اتانول یافت شده مورد گواهی قرارگرفته (ص٤٦). ابراهیم و خانم سمیه پدر و مادر متوفی شکایت خود را از میثم که فرزند آن‌ها ناصر را به قتل رسانده اعام کرده اند. سه بطری حاوی مایع برابر گواهی تشخیص هویت پلیس آگاهی دو تای آن حاوی الکل (اتانول) با درجه خلوص دو درصد و در نمونه دیگر فاقد الکل و مشروبات الکلی بوده (ص۵۵). گواهی حصر وراثت صادره از شورای حل اختاف شعبه ۵۵ ... دالت دارد ورثه مرحوم ناصر عبارت‌اند از: ۱- سعید فرزند ...، مادر ۲- ابراهیم فرزند ...، پدر متوفی می‌باشند (ص۵۷). پدر و مادر متوفی در دادسرا از قاتل فرزند خود یعنی میثم شکایت داشته و قصاص وی را خواستار شده اند. در تاریخ ۹۳/۰۲/۰۹ صحنه قتل بازسازی گردیده، متهم حاضر است و اظهار می‌دارد: من رفیق ایشان بودم مرا دعوت کرده بود و با دوستانش مشروبات الکلی مصرف کردیم با همدیگر شوخی می‌کردیم مرحوم ناراحت شد یک سیلی به صورت من زد آشتی کردیم مجددا درگیر شدیم از زیرزمین قصد داشتم بیرون بیایم چشمم به چاقو افتاد گردن مرا گرفته بود گفتم نکن من عقب می‌رفتم که چاقو به سینه وی خورد. قصد زدن نداشتم به صورت سهوی چاقو به وی خورد از کردار خود پشیمانم. به بیمارستان ناصر را انتقال دادیم که فوت کرد. من هیچ گونه مشروبی مصرف نکرده بودم. به میثم فرزند ... از طرف آقای بازپرس با توجه به گزارش مأمورین و شرح معاینه جسد و اقرار خودش اتهام قتل مرحوم ناصر به وسیله چاقو تفهیم شده، آخرین دفاع وی اخذ گردیده که اظهار داشته: مرحوم را با چاقو زده ام ولی هدفم کشتن او نبود ایشان مست بود چند سیلی به من زد و چاقو متعلق به مرحوم بود به طرف وی انداختم باعث فوت ایشان شد تقاضای کمک دارم. در خصوص اتهام میثم فرزند ... دایر به قتل عمدی مرحوم ناصر با چاقو از سوی آقای بازپرس قرار مجرمیت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-07]

شماره ۴۷،
دوره ۷،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۱،
صص ۱-۱۰

صادر و در خصوص اتهام دیگر نامبرده و اتهام سعید دایر به شرب خمر قرار منع تعقیب صادر گردیده است. پرونده از ناحیه معاون دادستان عمومی و انقلاب مشهد علیه متهم دایر به ارتکاب قتل عمدی مرحوم ناصر منتهی به صدور کیفرخواست گردید و مجازات متهم وفق مواد ۱۴۰- ۱۴۱- ۱۶۰-۱۶۴-۱۷۴-۲۸۹-۲۹۰- ۳۸۱ قانون مجازات اسامی از دادگاه کیفری استان تقاضا شده و پرونده جهت رسیدگی به شعبه اول دادگاه کیفری استان خراسان رضوی ارجاع شده، دستور تعیین وقت رسیدگی و احضار طرفین و انتخاب وکیل تسخیری صادر گردیده. آقای ... به عنوان وکیل تسخیری برای متهم انتخاب گردیده. ضمنا آقایان ... و ... وکای دادگستری با ارائه یک برگ وکالت نامه خود را به وکالت از طرف میثم معرفی کرده اند. در تاریخ ۹۳/۰۵/۲۰ در وقت مقرر جلسه دادگاه با حضور نماینده دادستان و شکات و وکیل تسخیری متهم و شخص متهم تشکیل، آقای ابراهیم پدر متوفی و احد از اولیای دم شکایت خود از میثم و تقاضای قصاص وی را اعام نمود. خانم سمیه مادر مقتول نیز تقاضای قصاص متهم را نموده و شکایت از او داشته. آقای میثم فرزند ... در قبال اتهام انتسابی دایر بر قتل عمدی مقتول اظهار داشت: مقتول رفیق بنده بود و مرا دعوت کرد تا ساعت ۱۲ شب به منزل وی رفتم سعید و حامد و مقتول آنجا بودند مشروب دست ساز خوردیم بدون جهت مرا کتک کاری کرد خواستم بیرون بروم که دست بر گردن یکدیگر انداختیم و نشستیم دوباره مرحوم مرا زد چاقو قصابی که در دستش بود را از وی گرفتم یعنی چاقو دست مقتول بود از پشت خواست مرا بگیرد که چاقوی خودش به سینه مقتول فرو رفت. یعنی من چاقو را از مقتول نگرفتم، چاقوی مقتول که خواست مرا بزند به خودش برخورد کرد حالت کشتی گرفتیم در حالتی که مقتول ایستاده بود و زمین نخورده بود چاقوی مقتول به خودش برخورد کرد و افتاد. وی را خودم به بیمارستان بردم دو لیتر مشروب خورده ام و سه نفر از ما مشروب خوردیم. خطاب به متهم اظهاراتش در جلسات قبلی که اعام داشته اید مقتول را با چاقو زده اید و چاقو را به داخل حیاط پرتاب کرده اید قرائت می‌شود چه می‌گویید؟ متهم اظهار می‌دارد: بنده مقتول را نزده ام چاقوی خودش به سینه اش خورد و چاقو افتاد که آن را به داخل حیاط انداختم چون مست بودم چاقو را برداشتم. وکیل تسخیری متهم در قبال اتهام انتسابی به موکل خود اظهار داشت:

- به شرح لایحه تقدیمی مدافعات را نوشته ام (سه برگ ایحه دفاعیه آقای ... وکیل تسخیری متهم ضمیمه است که به خاصه اشعار داشته: موکل مسلوب الاراده بوده

وی فاقد سابقه کیفری است و از خود دفاع کرده است). آقای نماینده دادستان به شرح صدر صورت مجلس تنظیمی تقاضای رسیدگی نموده. از متهم آخرین دفاع اخذ که اتهام را قبول نکرده و بیان داشته: اصلا چاقو نزده، چاقوی خودش به سینه اش رفته است.

- مست بودم یعنی حالم سر جایش نبود و حدود بیست دقیقه بعد از خوردن مشروب با مقتول درگیر شدم و حرف‌هایی که در مراحل اولیه گفته ام از ترس بوده است، از خود دفاع کرده ام و واقعیت این است که مقتول خواست به بنده تجاوز کند با یکدیگر درگیر شدیم چاقو حدودا ۳۰ سانتی متر طول داشته است. وکیل متهم در مرحله آخرین دفاع مطالب را به شرح ایحه تقدیمی عنوان نمود. سرانجام شعبه اول دادگاه کیفری استان خراسان رضوی با اکثریت چهار نفر به موجب دادنامه شماره ۴۰۰۰۷۹- ۹۳/۰۵/۲۹ در خصوص اتهام آقای میثم فرزند ... با وکالت تسخیری آقای ... دایر بر قتل عمدی مقتول مرحوم آقای ناصر فرزند ... با چاقو با توجه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-07]

شماره ۴۷،
دوره ۷،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۱،
صص ۱-۱۰

به اعام شکایت اولیای دم مقتول (ابراهیم و خانم سمیه پدر و مادر مقتول) و گزارش مورخه ۹۲/۰۹/۱۹ مرجع انتظامی به شرح صفحه یک پرونده مبنی بر این که میثم با مرحوم ناصر در منزل اخیرالذکر پس از صرف مشروب درگیر شده و میثم به مقتول حمله ور شده و او را از ناحیه قلب مورد ضرب و شتم قرار داده که در بیمارستان فوت کرده است و نظر به این که در محل وقوع قتل مأمورین آثار خون را در حیاط مشاهده و آثار مشروبات الکلی در داخل منزل و در زیرزمین مشهود بوده و با توجه به اظهارات پدر مقتول که اعام داشته پسرم با میثم درگیر شده و یک دفعه میثم با یک تیغه چاقو از زیرزمین فرار نموده و ادامه داده بقیه دوستانش مشاهده کرده بودند که میثم چاقو را از روی میز پسرم برداشته و با وی درگیر شده بودند و فرزندم زخمی بود و نظر به اظهارات متهم مبنی بر این که مقتول را در خیابان دیده و او را به منزل دعوت کرده و از قبل مشروب خریده بود. مقتول با چاقو به طرف من حمله کرد ولی آشتی کردیم، بعد از مدت کوتاهی مجددا مقتول با من درگیر شد چاقو از دست وی افتاد بنده آن را برداشتم و چاقو را به طور ناخواسته به قلب وی زدم و با توجه به تحقیقات انجام شده و اظهارات سعید گواهی پزشکی صادره درباره مقتول و این که متهم در جلسه اولی دادگاه کیفری استان خراسان رضوی اعام داشته در روز درگیری با مقتول مشروب خورده است. نظر به این که صرف مشروبات الکلی به معنای مست شدن نیست و غالبا مسلوب االختیار شدن را معنا نخواهد داشت، علی هذا با بررسی دقیق پرونده و شکایت شکات و گواهی پزشکی مقتول و اقاریر متعدد و مکرر متهم در مراحل تحقیقات دادسرا با ذکر جزئیات و شهادت شهود که با اقاریر متهم تطابق داشته بزهکاری متهم به قتل عمدی مرحوم مقتول را محرز و ثابت تشخیص و مستندا به بند ب ماده ۲۹۰ و مواد ۱۶۰-۱۶۴و ۱۷۲ و ۳۴۸ و ۳۵۰ و ۳۸۱ و ۴۱۷ قانون مجازات اسامی ۹۲ حکم بر محکومیت متهم به قصاص نفس از طریق چوبه دار در زندان مرکزی مشهد صادر که پس از استیذان مقام عظمای وایت و درخواست اجرای قصاص از ناحیه اولیای دم مقتول صادر گردید. نظریه اقلیت مبنی بر این که متهم در صحنه بازسازی اظهار داشته مشروب خورده، سبق تصمیم جهت ارتکاب قتل عمد در پرونده محرز نیست و احتمال شرب خمر با توجه به این که مابقی دوستان مشروب خوردهاند باا است در خصوص شرب خمر و تعادل روحی یا عدم تعادل روحی متهم متعاقب شرب خمر بایستی تحقیق شود. پس از صدور حکم آقای ... وکیل تسخیری متهم و نیز آقایان ... و ... وکای تعیینی متهم نسبت به دادنامه صادره اعتراض نموده. آقای ... به خاصه اشعار داشته: با توجه به تناقضات در اظهارات حاضرین در محل وقوع جرم و این که اگر سعید و پدر مقتول هنگام اصابت چاقو به سینه مقتول حضور داشتهاند چرا میانجیگری نکردهاند و از طرفی متهم مدعی است به جهت ترساندن مقتول چاقو را برداشته و به طور سهوی به مقتول خورده است، قصد مجرمانه متهم نداشته و در مقام دفاع از نفس و ناموس که در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسامی به آن اشاره شده صدور حکم عادانه را درباره موکل خواستار شده و وکای تعیینی متهم نیز اعام داشته اند: متهم دوست مقتول بوده و مرحوم ناراحت شده سیلی به موکل زده و آشتی کردهاند. متهم قصد داشته از زیرزمین خارج شده و چشمش به چاقو افتاده از زمین برمی دارد مقتول عقب عقب رفته که چاقو به سینه او برخورد کرده است و متهم مشروب مصرف کرده و تست الکل از او گرفته نشده، نامبرده مسلوب االختیار بوده، نقض دادنامه صادره را خواستار شده اند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-07]

شماره ۴۷،
دوره ۷،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۱،
صص ۱-۱۰

رأی شعبه دیوان عالی کشور

اعتراض آقای ... وکیل تسخیری متهم میثم فرزند ... نسبت به دادنامه معترض عنه با عنایت به این که متهم مبادرت به تعیین آقایان ... و ... به عنوان وکیل مدافع نموده محل تأمل است، مع الوصف با توجه به این که مضمون اعتراض وکای تعیینی همان است که وکیل تسخیری به آن اشاره کرده است و عمده اعتراض اعام شده این است که متهم هنگام درگیری با مقتول به لحاظ مصرف مشروب مست و مسلوب الاختیار بوده هرچند در تحقیقات مقدماتی متهم منکر صرف مشروب الکلی گردیده و در مراحل بعدی این موضوع را عنوان کرده است، در مانحن فیه مسلوب الاختیار بودن متهم ثابت نشده و وفق صدر ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسامی ۹۲ ارتکاب جنایت در حالت مستی از موجبات قصاص می‌باشد و نظر به این که متهم در تحقیقی که از وی به عمل آمده ابتدا بالصراحه اظهار داشته پس از درگیری با مقتول مرحوم ناصر چاقو از دست مقتول افتاده و وی آن را برداشته و با چاقو به قلب مقتول زده است و نظر به اظهارات حاضرین در محل درگیری که چاقو را دست متهم مشاهده کرده‌اند و با توجه به گزارش معاینه جسد مقتول که علت فوت بریدگی نافذ به قلب در اثر جسم برنده نوک تیز و عوارض ناشی از آن اعام شده (ص۴۷) و نظر به تقاضای قصاص متهم از ناحیه اولیای دم مقتول، بنابرمراتب دادنامه صادره که به موجب آن حکم به قصاص نفس میثم فرزند ... از طریق چوبه دار صادر گردیده خالی از اشکال بوده و مستندا به بند الف از ماده ۲۶۵ قانون آیین دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور دادرسی کیفری عینا تأیید و ابرام می‌گردد.

- رئیس شعبه هفتم دیوان عالی کشور ـ مستشار

نقد رای

در خصوص عنصر قانونی: با توجه به اینکه طبق کیفرخواست دادستان آقای میثم مرتکب قتل عمد مرحوم آقای ناصر شده است، عنصر قانونی در این خصوص وجود دارد و با توجه به اظهارات شاهدان و متهم و نظر پزشکی قانونی و با عنایت به ارجاع به مواد ۱۴۰- ۱۴۱- ۱۶۰-۱۶۴-۱۷۴- ۲۸۹- ۲۹۰- ۳۸۱ ق.م.ا ۱۳۹۲ توسط دادستان و ادعای مطروحه در خصوص ادله اثبات، قصاص و مواد جنایت ، به درستی صورت پذیرفته شده و در مراجع بالاتر،یعنی دادگاه کیفری ۱ خراسان رضوی و دیوان عالی کشور، به نظر میرسد به درستی انجام شده.و عنصر قانونی جرم مذکور هم از نوع مرکب میباشد.

در خصوص عنصر مادی: خب اینجا موضوع جرم انسان زنده یعنی آقای ناصر وجود دارد و رفتار مجرمانه هم طبق نظر پزشکی قانونی و اقرار متهم و شهادت شهود و شبیه سازی صحنه، نشان از وقوع قتل توسط جسم تیز به قلب آقای ناصر میباشد. که این رفتار هم به صورت مباشرت یعنی مستقیما توسط آقای میثم به وقوع پیوسته است. و برابر ادله و شواهد و قرائن مباشرت هم از نوع فعل مثبت مادی میباشد. و با توجه به فوت مجنی علیه جرم به صورت تام رخ داده است و شرط نتیجه هم محقق است. و وسیله ی قتل هم چاقوی ۳۰ سانتی ذکر شده است که البته مالک آن هم خود مجنی علیه یعنی آقای ناصر بوده است. و طبق قواعد قدیم آلت قتاله محسوب میشود ولی باید توجه داشت که فعل ارتکابی باید نوعا کشنده باشد و از اهمیت بااتری برخوردار است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-07]

شماره ۴۷،
دوره ۷،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۱،
صص ۱-۱۰

ولی الان میخواهیم بررسی کنیم آیا فعل کشنده بوده؟ باید توجه کنیم که موضع اصابت قلب مجنب علیه بوده که صدمه با جسم تیز به این بخش بدن عموما موجب مرگ میشود و موضع حساس تلقی میشود. درست است که طبق نظر پزشکی قانونی آقای ناصر دارای آثار خودزنی و پارگی و... در ناحیه شکم و... بوده ولی این نکات مصداق ضعف یا بیماری یا کهنسالی که موثر در ارتکاب موفق جنایت به نحو کامل شود ندارد. و به نظر میرسد نسبت به دیگر اشخاص عادی جامعه هم کشنده تلقی میشود. و موقعیت زمانی و مکانی ناصر در زیرزمین و... هم تاثیری در وقوع جنایت ندارد. بنابراین فعل نوعا کشنده محسوب میشود که البته در این خصوص حتی ادعایی هم از جانب موکان تسخیری و انتخابی آقای ناصر مبنی بر غیر کشنده بودن انجام نشد.

همچنین رابطه سببیت یا علیت در عنصر مادی هم طبق نظر پزشکی قانونی و دیگر ادله هم میان عمل ارتکابی آقای میثم و فوت آقای ناصر محرز است. ضمنا بحث معاونت آقای حامد و سعید در ارتکاب جنایت با توجه به اظهارت این دو شاهد و اظهارات پدر و متهم قتل و نیز نظریه پزشکی قانونی و بازسازی صحنه و...منتفی به نظر میرسد. البته این نکته به علت شکایت پدر مقتول یعنی آقای ابراهیم از این دو شخص در مرحله ابتدایی طرح شکایت مطرح شد.

همچنین مجنی علیه یعنی آقای ناصر طبق اظهارات مطرح شده در این پرونده مشمول ماده ۳۰۲ ق.م.ا ۹۲ نمی‌باشد و جرم حدی که ناصر انجام داده یعنی شرب خمر صرفا مجازات آن شاق حدی است و ارتباطی با محدورالدم بودن شخص ندارد بنابراین ناصر محقون الدم یا محترم است و در صورت رعایت سایر شرایط امکان قصاص هم برای مرتکب جنایت یعنی آقای میثم وجود دارد.

عنصر معنوی: خب طبق نظر دادستان و دادگاه کیفری ۱ خراسان رضوی و دیوان عالی کشور آقای میثم مرتکب جنایت عمدی بر نفس شده است.حال عناصر آن را در پرونده یک به یک بررسی میکنیم: علم و آگاهی : خب در خصوص علم به حکم حتی به قصور، عاوه بر این که نظر مشهور و حتی قانون در مورد جرائم حق الناسی این است که رافع مسولیت کیفری نیست اینجا هم اساسا در مورد آن ادعایی هم از جانب میثم و وکیل او مطرح نشده! پس از آن گذر میکنیم.

در خصوص علم به موضوع هم بنابر اظهارات در پرونده از جانب طرفین و شاهدان جنایت میثم علم به انسان بودن و زنده بودن ناصر داشته و ادعایی هم مبنی بر محدور الدم بودن ناصر بیان نکرده بنابراین علم موضوعی هم دارد.

سونیت عام: آیا میثم با قصد خودش ضربه چاقو به قلب ناصر وارد کرد؟ در خصوص اکراه و یا اجبار که بحثی مطرح نشده و با توجه به جزئیات پرونده هم این موضوع منتفی است . همچنین جنایت جنایت به فعل مقصود(از لحاظ ظاهری از جدای از بحث مستی) محقق شده یعنی ضربه‌ای که میثم با چاقو قصد کرده موجب قتل ناصر میشود. و قصد شخص معین هم داشته که در خصوص آن اختاف نظری وجود ندارد ومحرز است.

اما بحث مهم در خصوص مستی: با توجه به اظهارات اولیه میثم مبنی بر مست نبودن هنگام وقوع جرم و تایید این موضوع توسط سعید ، به نظر میرسد اظهارات میثم در دادگاه کیفری ۱ استان همراه با سونیت باشد. با این وجود شایسته بود در همان مراحل ابتدایی رسیدگی از آقای میثم تست گرفته میشد. با توجه به شواهد و قرائن مست بودن میثم در شرایط مستی حامد و ناصر و وجود مشروب در زیرزمین و ایجاد جمع دوستانه، خالی از

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-07]

شماره ۴۷،
دوره ۷،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۱،
صص ۱-۱۰

تصور نیست. در هر صورت با توجه به استدال صحیح دیوان عالی کشور مبنی بر اصل قرار دادن مسلوب اراده نبودن متهم و نیاز به اثبات این موضوع توسط متهم این موضوع به درستی مورد قضاوت قرار گرفته است.

سونیت خاص: با توجه به اظهارات میثم مبنی بر عدم وجود قصد کشتن و دوستی ٦ ساله با هم محل خود یعنی ناصر و تصدیق این موضوع توسط حامد،سعید و پدر مقتول و همچنین تحریک میثم توسط خود مقتول، به نظر میرسد که میثم مشمول بند الف ماده ۲۹۰ نمیشود.

ولی در هر صورت عمل میثم با توجه به ضربه یا جسم تیز به قلب نوعا کشنده محسوب شده است.که به نظر میرسد با فرض مسلوب اراده نبودن میثم و فرض عدم تحقق شرایط دفاع مشروع این موضوع محرز است. و استناد به بند ب ماده ۲۹۰ با توجه به نوع و حالت ضربه و همچنین سالم بودن نسبی مقتول در آن ناحیه از بدن به درستی صورت پذیرفته است.

ولی حالا که استدال ما به بند ب ماده ۲۹۰ شد آیا شرایط آن یعنی آگاهی و توجه در شخص میثم وجود داشته است؟خب طبیعتا در شرایط عادی میثم علم به این موضوع داشته که ضربه با چاقو به قلب موجب مرگ ناصر میشود ولی آیا توجه هم نسبت به این موضوع داشته؟ به عقیده اینجانب با توجه به اظهارات متهم چه در مرحله کانتری و دادستانی و چه در مرحله دادگاه کیفری ۱ استان، با وجود اختافات همگی بر این موضوع که توجه نسبت به جنایت وارده در آن حالت عصبانیت و اختاف و همیچنین تحریک میثم توسط ناصر که مست شده و سابقه خودزنی و حالت نامتعادل داشته، عنصر توجه در اینجا وجود ندارد!

نقد و بررسی کلی

در شرح این موضوع علاوه بر اظهارات متهم، اظهارات سعید و حامد یعنی شاهدان این موضوع و حتی ابراهیم پدر مقتول در نقش ولی دم هم مبنی بر عدم وجود توجه در آن شرایط بوده است. درست است که داشتن توجه در خصوص بند ب ۲۹۰ پیشفرض است و نیاز به اثبات ندارد ولی اظهاراتی که ذکر شد در مراحل دادرسی این نکته را اثبات میکرد.

عوامل رافع یا مانع مسیولیت کیفری آیا وجود داشت؟

در خصوص مستی که در بخش عنصر روانی بیان شد و در سایر موارد نظیر اضطرار و اجبار و... هم تا حدی بررسی شد و با توجه به اینکه ادعایی هم در این خصوص نبوده و پرونده هم چنین موضوعی اثبات نمیکند از آن گذر خواهد شد.

ولی در خصوص دفاع مشروع که بررسی نشد و در دفاعیات وکای آقای میثم آمده است: با توجه به پرونده و اظهارات متهم و شواهد و ولی دم و ... به نظر میرسد که شرایط سختگیرانه مقرر در ماده ۱۵٦ ق.م.ا ۹۲ رعایت نشده است و رفتار ارتکابی برای دفع خطر ضرورتی نداشت و میثم میتوانست محیط را ترک کند.

نتیجه‌گیری

شرایط قصاص هم در پرونده وجود دارد مثا تساوی عقل یا عدم رابطه پدری و...همچنین تقاضای سمیه مادر و ابراهیم پدر ناصر هم وجود داشت و از این جهت مشکلی وجود ندارد. موانع اجرای قصاص هم در پرونده دیده نمیشود. در خصوص ادله‌ی اثبات هم استدال دیوان عالی و دادگاه کیفری مبنی بر اقرار متهم مقرون به

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-07]

شماره ۴۷،
دوره ۷،
سال پنجم،
زمستان ۱۴۰۱،
صص ۱-۱۰

واقع و علم قاضی و امارات متعدد و نظر پزشکی قانونی معتبر و صحیح به نظر می‌رسد لذا تمامی مراحل دادرسی صحیح است به جز عدم توجه به شرط بند ب ۲۹۰ یعنی توجه با عنایت به مستندات پرونده.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-07]